

پیشرفت سیاسی قطر

از تأسیس امارت تا استقلال دولت

نویسندگان:

حماد زکریا الشلق

مصطفی حیل

یوسف ابراهیم العبدالله

مترجمان و ویراستاران

عبدالله سهرابی

مجید کیایی نژاد

تهران

انتشارات عظام ۱۳۹۳

سروشانه	شلق، احمدزکریا
عنوان و نام پدیدآور	پیشرفت سیاسی قطر: از تأسیس امارت تا استقلال دولت / نویسندگان احمدزکریا الشلق، مصطفی عقیل، یوسف ابراهیم العبدالله؛ مترجمان و ویراستاران عبدالله سهرابی، مجید کیایی نژاد.
مشخصات نشر	تهران: نشر عظام، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۶۰-۵-۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	قطر--سیاست و حکومت
موضوع	قطر--تاریخ
شناسه ماده	عقیل، مصطفی
شناسه افزودن	عبدالله، یوسف ابراهیم
شناسه افزوده	سهرابی، عبدالله، ۱۳۳۸-، مترجم، ویراستار
شناسه افزوده	کیایی نژاد، مجید، ۱۳۵۲-، مترجم، ویراستار
رده‌بندی کسره	۳: ۸۲۰۴۱ ش ۶ / قی ۲۴۷ DS
رده‌بندی دیوینی	۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۰۵۴

پیشرفت سیاسی قطر از تأسیس امارت تا استقلال دولت

این کتاب ترجمه‌ای است
تطور قطر السياسي من نشأة الامارة إلى استقلال الدولة
نویسندگان: احمد زکریا الشلق، مصطفی عقیل و یوسف ابراهیم العبدالله
مترجمان و ویراستاران: عبدالله سهرابی و مجید کیایی نژاد
تایپ و صفحه‌بندی: فریبا محمدپور

ناشر: عظام

نوبت چاپ: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول

چاپخانه: گل‌وردی-قم

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۶۰-۵-۰

فهرست

۷	 پیش‌سخن
۱۱	 مقدمه
۱۳	 فصل اول: منابع تاریخ قطر
۳۹	 فصل دوم: ریشه و سرچشمه قطر و پیشرفت آن تا سال ۱۸۶۸م
۶۱	 فصل سوم: رقابت سیاسی - اقتصادی بر سر قطر (۱۸۷۱-۱۹۱۳م)
۷۹	 فصل چهارم: تحولات سیاسی قطر (۱۹۱۳-۱۹۴۹م)
۱۰۱	 فصل پنجم: تأسیس دولت معاصر قطر و اداریات خدماتی استقلال (۱۹۴۹-۱۹۷۱م)
۱۲۳	 فصل ششم: قطر: از اتحاد نه‌گانه تا استقلال (۱۹۷۱-۱۹۶۸م)
۱۴۳	 فصل هفتم: تاریخ سیاسی نفت
۱۶۹	 اسناد بنیادی در تاریخ قطر
۱۹۱	 منابع و مراجع

سرسخن

افزون بر یک دهه است که موضوع قطر، نقش آن در تحولات منطقه‌ای به عنوان یکی از مباحث جالب توجه مورد عنایت پژوهشگران و دانشمندان قرار گرفته است. این شبه جزیره صرف‌نظر از قرار گرفتن در موقعیت ژئواستراتژیک خلیج فارس، خود نیز در مقیاس کوچک منطقه‌ای حائز اهمیت ژئواستراتژیک است.

قطر نقش سیاسی خود را از سال ۲۰۰۱ و پس از حادثه افغانستان در شکلی جدید بازیافت. اقدام جریان‌های وهابی در تحولات افغانستان که منتهی به حادثه ۱۱ سپتامبر شد، توجه بسیاری از کشورهای غربی را به قطر به عنوان دولتی وهابی اما با سیاست‌های متمایز نسبت به عربستان سعودی، و در عین حال متمرکزتر در ایجاد توازن داخلی بین دو مذهب و دولت برانگیخت. از نظر غربی‌ها برای کنترل جریان سلفی‌گری و نیز وهابی‌گری درون منطقه اسلام، قطر می‌توانست نقشی متمایزتر را در قیاس با عربستان سعودی عهده دار شود. بدین معنی که قطر می‌تواند ایجاد ارتباط با شاخه‌هایی از گرایش‌های وهابی و نیز سلفی همچون طالبان، تحرک قطر نسبت به مشارکات عمومی غربی‌ها حساسیت کمتری را برمی‌انگیزد. افزون بر این قطری‌ها به دلیل سیستم آشکار نظام اداری خود، در نگاه سازمان‌های غربی نظامی توانمندتر و چابک‌تر به نظر می‌آمدند. سوابق تاریخی خاندان حاکم این دولت هم اجازه می‌داد تا از توان تجربیات تاریخی خود برای ارتباط با منطقه برخوردار باشد. در کنار همه این موارد، این دولت از فرتوتی و کهنسالی رهبران سنتی عربستان نیز بی‌بهره بود و همین مسئله ایجاد فرصت می‌نمود تا موقعیت قطر به عنوان یک «نقش‌آفرین» منطقه‌ای برجسته گردد.

دولت قطر با اغتنام از این ویژگی‌ها و این فرصت به دست آمده در بزنگاهی تاریخی توانست بازی جدیدی را آغاز نماید. ثروت بیکران تحت‌الارضی و تحت‌البحری از جمله حوضچه مشترک گازی این کشور هم مزید بر علت شده بود تا قطر بتواند سرمایه‌های خود را به سهولت نقد نموده و از جذابیت‌های اقتصادی و توانمندی مالی برای ایفای این نقش منطقه‌ای و بین‌المللی سود جوید. این ویژگی همچنین سبب شده بود تا این کشور موفق گردد در تعامل با قدرت‌های درون منطقه همچون ایران و سپس ترکیه از فرصت ارتباط برای مانورهای سیاسی خود بهره جوید، مزیتی که سایر کشورهای عرب حوزه شبه جزیره عربستان فاقد آن بودند. قطر از اواسط دهه هشتاد و پیش از بروز این شرایط، در پی ایجاد ارتباط تجاری با اسرائیل توانسته بود موقعیت تأثیرگذار خود را بیش به نسبت بی‌انمایاند.

هنگامی که در شرایط کنونی به قدرت بازیگری این کشور کوچک نگاه می‌اندازیم با این حقیقت روبه‌رو می‌شویم که ظرفیت‌های جدیدی را در صحنه منطقه‌ای ایجاد کرده بود که بدون شک می‌توانست یک تازم از ترتیبات سیاسی-امنیتی را به تصویر کشد. با این همه، ماهیت رفتار قطر کماکان برای سیاست‌گذاران کشورهای درون منطقه و حتی قدرت‌های بین‌المللی چندان روشن به نظر نمی‌رسد. رفتار قطر در شمرای همکاری خلیج فارس نشان داده که این کشور می‌تواند مسیر بازی این شورا را در موعی کند و باطعی جهت بخش و در فرآیند اجماع‌سازی مجموعه شبه جزیره عربستان نقش‌های متفاوت را بی‌آفریند. اینجا این پرسش اساسی در برابر تحلیلگران قرار می‌گرفت: چگونه می‌توان از این ظرفیت استفاده نمود؟

تردیدی نیست که برای پاسخ به این پرسش باید تصویری واضح و مستند را از اهداف و انگیزه‌های این کشور ترسیم نمود. تصویری که درک آن به کمک بی‌توجه به تاریخ گذشته این شبه جزیره درونی خلیج فارس ممکن نیست. ادبیات تاریخی مرتبط با این شبه جزیره در مقایسه با سایر کشورهای منطقه کم‌شمار و محدودتر است. این نقیصه به ویژه برای پژوهشگران فارسی‌زبان که با پشتوانه موقعیت و هویت تاریخی ایران نقش مؤثری را در تنظیم نظامات منطقه‌ای می‌تواند برعهده بگیرد، بیشتر مشهود است. اگرچه قطر یک همسایه تاریخی به شمار می‌آید اما نسبت مرتبط با تعاملات و رفتار تاریخی قطر به ویژه در منابع فارسی نادر و تا حد قابل ملاحظه‌ای مختصر است. کوشش برای شناخت بیشتر قطر و تاریخ آن در کنار سایر امارت‌های خلیج فارس به ما این اجازه را می‌دهد تا درک واقع‌بینانه‌تری را از «هویت قطری معاصر» داشته باشیم. هویتی که برای خود مأموریتی متمایز نسبت به گذشته قائل شده و کوشیده با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها و مدیریت آنها نمونه خاصی از یک دولت جدید عربی را در مجموعه شبه جزیره عربستان نمایندگی کند.

کتاب حاضر اگرچه دارای نواقصی چون فقدان توجه به منابع ایرانی است اما در نوع خود دارای اطلاعات فراوانی از فرآیند پیشرفت سیاسی آن کشور به شمار می‌آید. مؤلفان این اثر که برخی چون دکتر مصطفی عقیل خطیب خود ریشه ایرانی داشته، کوشیده‌اند در شکل‌یابی هویت معاصر قطر توصیفی تازه را ارائه کنند، توصیفی که در آن توجه به تنوع اسناد و مدارک مختلف از آرشیوهای مهم و نیز منابع گوناگون قابل تأمل و توجه است.

نظر می‌رسد این کتاب به رغم برخی کاستی‌ها و یا قضاوت‌های مورد اشاره نویسندگان منبع مناسبی برای شناخت تحولاتی باشد که این کشور یا خود مبدع آن بوده و یا اینکه در روند جهت‌گیری آن وارد شده و کوشیده «ملاحظات قطری» را نیز داخل نماید.

پیشنهاد ترجمه این اثر را نخست سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران نزد دولت قطر، جناب آقای عبدالله بن رابی یکی از نگارندگان این کتاب دکتر مصطفی عقیل مطرح نمودند که با توجه به فقدان منابع فارسی در حوزه تاریخ قطر به نظر اقدامی مفید و مناسب جلوه می‌نمود. حاصل تلاش ایشان و همکار دیگران آقای مجید کیانی‌نژاد متن کنونی است که با مطالعه آن می‌توان پرسش‌های تازه‌ای را به جهت طرح مباحث تاریخی مورد توجه قرار داد.

همچنان‌که گفته شد، بدیهی است مؤلفان در چارچوب تدوین یک اثر تاریخی، و یا صرفاً مرجع، مطالعات خود را دنبال نمودند و در تدوین کتاب حاضر منافع و قرائت خاص خود که گاه می‌تواند در تعارض با برخی از مستندات ذکر از جمله گزارش‌های اسنادی آرشیوهای ایران باشد را ارائه کرده‌اند. کتاب با همه کاستی‌های خود در این زمینه یا جهت‌گیری‌های فلسفی نویسندگان، اثر تازه‌ای است که مطالعه آن می‌تواند برای خواننده فارسی زبان را بیشتر با مسائل سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس درگیر نماید. این منابع بیشتر همسایگانی که گاه به جهات تاریخی و گاه در ارتباط خاندانی با ایران پیوند داشته و دارند حردهای مهمی برای پژوهش و تحقیق پژوهندگان ایرانی نیز می‌توانند باشند. فلذا تلاش به جهت تنوع انتشارات عمومی فارسی زبان ایران با تصورات و قرائت‌های تاریخی این محیط همسایه نه تنهایی فایده‌بخش بلکه به جهاتی لازم هم به نظر می‌رسد.

پیشنهاد انتشار این اثر، به انتشارات عظام از سوی مترجمان محترم با استقبال روبه‌رو شد، بررسی و مطالعه متن حاضر با توجه به سوابق مطالعاتی گذشته به نگارنده از سوی انتشارات یاد شده تکلیف گردید و به جهت مطالب مذکور در فوق انتشار آن را نگارنده خالی از فایده ندانست. بنابراین اهتمام به ویرایش متن و آماده‌سازی آن بدون تغییر در محتوای نگاه و نظر نویسندگان و به رغم برخی از اشکالات و اشتباهات تاریخی به انجام رسید. از این رو بایست تأکید گردد که اطلاعات و قرائت

نویسندگان چه از سوی مترجمان اثر و چه از سوی انتشارات گاه در برخی از موارد قابل استناد نیست و فلذا آرای نویسندگان و مسئولیت گزارش آنها را باید متوجه خود ایشان دانست.

در مسیر نمونه‌خوانی، ویراستاری و آماده‌سازی متن برای انتشار خانم‌ها فخرالسادت حیدری و فریبا محمدپور مساعی خود را به کار بستند که بدین وسیله شایسته است از کوشش آنها قدردانی گردد. اهتمام به ترجمه و انتشار این کتاب با توجه به وضعیت نامناسب بازار نشر، بیشتر از ناحیه جناب آقای عبدالله سهرابی مورد توجه قرار گرفت. انگیزه ایشان در گسترش سطح شناخت جامعه ایرانی به سوزة سابق مأموریت‌های خود از این منظر قابل ستایش و تحسین است و امید می‌رود که این تلاش تاریخی بتواند در این بستر مورد توجه قرار گیرد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که خالی از فایده نمی‌باشد که نقد و بررسی این دست از منابع تاریخی که منعکس کنند برائت مسایگان ما از هویت خود است یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای جامعه محققان ایرانی خواهد بود. در حقیقت باید باور داشت که تاریخ در فرآیند تدوین خود به نگاه نقادانه و مطالعه تطبیقی نیاز دارد. امری که لااقل در این اثر به جهت عدم توجه به منابع فارسی به عنوان یک نقیصه خود را نشان می‌دهد. اما حقیقتاً از ارزش ذاتی آرای نویسندگان - فارغ از پذیرش یا رد آن - نمی‌کاهد و مخاطبان فارسی‌زبان را به این موضوع توجه می‌دهد تا در مسیر تدوین تاریخ منطقه‌ای از پژوهش و تحقیق، به سبب راه معرک‌های آباد و مدارک آرشیوی دریغ نورزند. تاریخ منطقه ما، تاریخی به هم پیوسته و درهم تنیده است و از این رو شایسته است پژوهندگان ایرانی بکوشند در روند تدوین تاریخ منطقه نقش خود را ایفا نموده و مانع از آن گردند که پژوهش‌های غیرمنصفانه و یک‌جانبه فضای تعامل میان منطقه‌ای را میان ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان مکدر سازند.

سید علی حسینی

دبیر مجموعه مطالعات منطقه‌ای

مقدمه

کتاب حاضر مطالب مهمی پیرامون قطر و تاریخ سیاسی اش از آغاز تأسیس امارت قطر به صورت یک کیان سیاسی در سال ۱۸۶۶ و استقلالش در ۱۹۷۱ از دولت انگلستان را دربر گرفته است. هرچند که این کتاب تمامی مشکلات سیاسی قطر را در خود جای نداده است. اما موضوعات اصلی و اساسی در زمانهای دیرینه‌ای عصر جدید، حوادث و وقایع میان نیروهای محلی با نیروهای اقلیمی و نیروهای بین‌المللی شرح داده است.

مطالب این کتاب در ۷ فصل گنجانده شده است؛ در فصل اول مربوط به شرح و معرفی منابع قدیم و معاصر تاریخ قطر پرداخته شده که بعدها برای تألیف زمینه موضوعات دیگر برای متخصصان و پژوهشگران منابع تاریخی مفید و راه‌گشا خواهد بود.

فصل دوم اختصاص دارد به بررسی پیدایش امارت عربی قطر و تحولات پیرامون ظهور آن به صورت امارتی مستقل از همسایگان از ۱۸۶۸ م.

فصل سوم در مورد تحولات سیاسی قطر پس از هجوم عثمانی در ۱۸۷۱ م. و بازپس‌گیری عثمانی‌ها با انگلیس‌ها برای بازپس‌گیری دولت قطر و زایل شدن وجود عثمانی به صورت نهایی از سرزمین قطر در ۱۹۱۳ است.

در فصل چهارم و پنجم به تحولات سیاسی قطر پس از امضای معاهده حمایت انگلیس در ۱۹۱۶ م تا استقلال و از بین رفتن نفوذ انگلیس در ۱۹۷۱ م پرداخته شده است. به‌طور کلی مطالب این دو فصل درباره نفوذ انگلیس و بنیان‌گذاری دولتی جدید در قطر در زمینه‌های سیاسی و اداری تا زمان به‌وجود آمدن دولت و گرفتن ملزومات استقلال در سیستم‌ها، مؤسسات و قوانین است.

فصل ششم پیرامون نقش مهم قطر در پروژه ایجاد دولت متحد امارات عربی در خلیج فارس صحبت می‌کند؛ این مذاکرات در طی سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۷۱ م، با هدف تشکیل دولتی که دربرگیرنده ۹ امارت خلیج فارس - هفت امارت‌های ساحل عمان به همراه دو امارت قطر و بحرین - صورت گرفته بود.

فصل هفتم که فصل پایانی کتاب است، اختصاص دارد به بررسی تاریخ سیاسی نفت در قطر و کشمکش‌های سیاسی که برای دستیابی به امتیازات کشف و استخراج و تولید نفت صورت گرفته است. در این فصل به جنبه‌های سیاسی و قانونی پرداخته و بررسی وقایع تاریخی پرداخته شده است. گفتمانی است که تألیفات علمی در پیرامون تاریخ قطر اندک است البته نوشته‌هایی در این زمینه وجود دارد از جمله کتابی به نگارش دکتر عبدالعزیز المنصور در دو مجلد در باب تحولات سیاسی قطر که غیر مستقیم است و کتاب انگلیسی‌زبان روزماری زحلان پیرامون تأسیس قطر که نیاز به بازنگری مجدد دارد. این مطالعات اندکی هم در این زمینه موجود است که نکاتی در مورد تاریخ قطر را در بر می‌آورد به سبب ما بر آن شدیم تا کتابی تألیف نماییم که حقایق و مسائل مربوط به پیشرفت سیاسی قطر و فعل و انفعالات داخلی و منطقه‌ای و خارجی را به‌خوبی شرح دهد و به عنوان مرجع و منبع علمی مستندی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال ادعا تألیف کتابی جامع و فراگیر و تاریخی دقیق و مفصل را نداریم؛ زیرا هنوز مسائل بسیاری در زمینه‌های مختلف مانند مرزهای قطر، روابط بین‌المللی، همسایگان، سیاست خارجی آن پس از استقلال و... وجود دارد که به‌خوبی روشن نشده است. البته امیدواریم در چاپ‌های بعدی با آگاهی از ملاحظات و دیدگاه‌های پژوهشگران در حوزه این کتاب و بررسی و طرح ابعاد و جوانب دیگر آن، بتوانیم خدمتی ارزنده به تاریخ معاصر سیاسی قطر کنیم و مسائل‌های آینده این کشور را به نحو بهتری با تاریخ قطر آشنا کنیم.

در پایان، بر خود فرض می‌شماریم تا از سازمان‌ها و افرادی که در راه تألیف این کتاب همیاری کرده‌اند و در رأس آن‌ها مرکز اسناد و مطالعات انسانی؛ کتابخانه دانش‌کده‌های پسرانه و دخترانه دانشگاه قطر؛ کتابخانه میراث عربی و اسلامی در دوحه، که مؤسس آن شیخ حسن بن محمد آل ثانی است، و همچنین خانه کتاب قطر سپاس‌گذاری نماییم. همچنین از دبیر و محقق، استاد محمد همام فکری، به‌خاطر ارائه منابع و مراجع گوناگون، و سامی حنفی که ماه به‌خاطر دقت و توجه فراوانش برای چاپ این کتاب تشکر و قدردانی می‌کنیم. همچنین گفتنی است که ما پذیرای هرگونه نقد و انتقادی هستیم تا در تحقیقات آینده راه‌گشایمان باشد؛ چرا که هدف اصلی ما خدمت به این میهن عزیز و تاریخ ارزشمندش است.

گروه مؤلفان

دوحه. قطر ۲۰۰۹ م (۱۳۸۸ هـ.ش)